



توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست: فرصت‌ها و چالش‌ها

سید عباس پورهاشمی*
اعظم پرنده مطلق**

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱۱/۲۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۱/۳۰

چکیده

توسعه و تکامل حقوق بین‌الملل محیط‌زیست از لحاظ ماهوی و محتوایی از یک طرف و از نظر ساختاری و شکلی از طرف دیگر، فرصت‌ها و تهدیدهایی را فراروی این رشته حقوقی قرار داده است. از آنجا که رشد اقتصادی و پیشرفت‌های فزاینده تکنولوژی که در دوره معاصر سبب خسارت‌های اساسی به محیط زیست شده است، جامعه جهانی را وادار کرده برای پیشگیری، جلوگیری و کنترل آلودگی‌ها و حمایت و حفاظت از محیط‌زیست اقداماتی را به انجام برساند. با همه تلاش‌های جهانی برای رشد و توسعه قواعد حقوقی الزام‌آور و غیرالزام‌آور، همچنان دغدغه‌ها و تهدیدهای زیست‌محیطی از قبیل گرمایش زمین، تغییرات آب و هوایی، بیابان‌زایی، جنگل‌زدایی، ظهور پدیده ریزگردها و ... وجود دارند و حتی در برخی مناطق جغرافیایی با تخریب بیشتر محیط‌زیستی مواجه گردیده است. لذا همچنان خلأهای حقوقی و اجرایی زیادی برای حفاظت جهانی محیط‌زیست وجود دارد. این پژوهش در صدد است تا با نگاهی به وضعیت موجود حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی توسعه آن را مورد بررسی قرار داده و به موانع و خلأهای حقوقی و راهکارهای احتمالی آن اشاره کند.

کلید واژه‌ها

حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، ابزارهای حقوقی الزام‌آور و غیرالزام‌آور، فرصت‌ها و چالش‌های حقوقی، توسعه پایدار.

*. استادیار و عضو هیئت علمی گروه حقوق محیط زیست دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران و عضو مرکز مطالعات حقوق بین‌الملل و جهانی‌شدن دانشگاه یوکم کانادا. (مسئول مکاتبات) ahashemy@yahoo.com

**-. دانشجوی دکتری حقوق محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.

مقدمه

رشد و گسترش بی‌رویه و یک سویه اقتصادی که اثرات ناشی از آن سبب تخریب وسیع محیط‌زیست در سطح داخلی کشورها و حتی در وسعت جهانی گردید، منتهی به پیدایش و توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در دهه ۱۹۷۰ و بعد از آن گردید. بر همین اساس، متخصصان محیط‌زیست و فشار افکار عمومی بین‌المللی، دولت‌ها را وادار کردند که نسبت به حفاظت محیط‌زیست جهانی با مسئولیت بیشتری رفتار نمایند. در این راستا، تدوین ابزار حقوقی الزام‌آور و غیرالزام‌آور در خصوص حفاظت جهانی محیط‌زیست از دهه ۱۹۷۰ در حقوق بین‌الملل آغاز گردید که همچنان با فراز و نشیب‌هایی روبرو است. با وجود وضع قوانین و مقررات زیست محیطی اعم از داخلی و بین‌المللی، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست^۱ با چالش‌های جدی‌ای روبروست. لیکن با نگاهی به‌نحوه شکل‌گیری و توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در بیش از چهار دهه اخیر، روشن است که توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست بیش از هر چیز مبتنی بر نیازها و ضرورت‌های زیست‌محیطی بشر بوده است. در پاسخ به این نیازها و ضرورت‌ها، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست تلاش کرده است تا با تدوین قوانین و وضع مقررات بین‌المللی، دولت‌ها را پایبند به حفاظت از محیط‌زیست نماید. با این همه، اگر حقوق بین‌الملل را حقوق جامعه بین‌المللی بدانیم، بدون تردید جامعه بین‌المللی دارای جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، تجاری و... است. یکی از جنبه‌های مهم که در سده‌های اخیر مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار گرفته است، حفاظت محیط‌زیست است. یکی از ویژگی‌های حقوق بین‌الملل محیط‌زیست آشتی دادن «تأمین نیازهای فعلی بشر» با «حفظ حقوق نسل‌های آینده» است که تحت عنوان «توسعه پایدار»^۲ قرار گرفته است.

اما سؤال اصلی اینجاست که آیا همان‌گونه که «مک-کافری»^۳ خاطرنشان کرده است، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در ابعاد گوناگون در حال گسترش و توسعه است؟ (McCaffrey, 1993, p87-111) پاسخ به این سؤال پیچیدگی‌های فنی و حقوقی خاص خود را دارد. زیرا از یک طرف شاهد گسترش ابزارهای حقوقی اعم از الزام‌آور^۴ و غیرالزام‌آور^۵ برای حفاظت محیط‌زیست در ابعاد داخلی و بین‌المللی هستیم و از طرف دیگر تخریب وسیع محیط‌زیست در مناطق جغرافیایی مختلف همچنان ادامه دارد و حقوق بین‌الملل محیط‌زیست تا به حال نتوانسته است پاسخ و راهکار حقوقی جدی برای جلوگیری از آن ارائه نماید. در همین چارچوب، این پژوهش در صدد است تا فرصت‌ها و چالش‌های فراروی توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را مورد تحلیل و بررسی اجمالی قرار دهد.

1. International Environmental Law
2. Sustainable Development
3. McCaffrey
4. Hard Law
5. Soft Law

۱- پیدایش و شکل گیری حقوق بین الملل محیط زیست

گرچه دولت‌ها در گذشته براساس منافع متقابل به خصوص در بخش ماهیگیری و کشاورزی اقدام به انعقاد قرارداد دو یا چندجانبه نموده بودند، ولی در واقع اساس و بنیان حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به معنای امروزی آن، به بیانیه کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط زیست و انسان، استکهلم^۱ بر می‌گردد. برای سیر تحولات تدریجی این رشته حقوقی عمدتاً سه دوره تاریخی قابل شناسایی است:

دوره اول مربوط به دوره پیش از ۱۹۷۲ می‌باشد که در این دوره حقوق بین‌الملل محیط‌زیست بیش از هر چیز مبتنی بر ویژگی‌هایی از جمله قراردادی بودن، منطقه‌ای بودن و بخشی بودن است. در این دوره تاریخی نگاه مبتنی بر منافع متقابل دولت‌ها بر دغدغه‌های حفظ منافع بشریت سنگینی دارد. رنسانس، انقلاب صنعتی، رشد و گسترش بی‌رویه و یک سویه اقتصادی و اثرات ناشی از آن که سبب تخریب وسیع محیط‌زیست در سطح داخلی کشورها و حتی در وسعت جهانی گردید، سبب شد متخصصان محیط زیست به همراه فشار افکار عمومی بین‌المللی، دولت‌ها را وادار کنند که نسبت به حفاظت محیط‌زیست جهانی با مسئولیت بیشتری رفتار نمایند. بر همین اساس در سال ۱۹۷۲ دولت‌ها در استکهلم گردهم آمدند و بیانیه "انسان و طبیعت" را بعنوان نقطه عطف حقوق بین‌الملل محیط زیست به تصویب رساندند.

دوره دوم مربوط می‌شود از تدوین و تصویب بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ تا کنفرانس ریو درباره محیط‌زیست و توسعه ۱۹۹۲^۲ که این دوره، دوره توسعه محتوایی و ساختاری حقوق بین‌الملل محیط زیست به شمار می‌آید. از یک طرف پذیرش اسناد غیرالزام‌آور از قبیل بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ و منشور جهانی طبیعت ۱۹۸۲^۳ سبب ظهور و گسترش اصول و مفاهیم حقوق محیط‌زیست شد و از طرف دیگر تدوین و تصویب اسناد الزام‌آور حقوقی از قبیل معاهدات و کنوانسیون‌های محیط‌زیستی سبب توسعه محتوایی و ماهوی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست گردید. علاوه بر آن تشکیل برنامه محیط‌زیست ملل متحد (یونپ)^۴ و صندوق جهانی محیط‌زیست^۵ منتهی به توسعه شکلی و ساختاری حقوق بین‌الملل محیط‌زیست گردید.

دوره سوم با تشکیل کنفرانس ریو درباره محیط‌زیست و توسعه ۱۹۹۲ آغاز گردید و همچنان حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در حال حاضر نیز تحت تأثیر این دوره تاریخی است. کنفرانس ریو دوژانیرو برزیل در ۱۹۹۲ یکی از بزرگترین کنفرانس‌های بین‌المللی بود که در زمینه حفاظت از محیط‌زیست تشکیل شد. کنفرانس ریو سه سند غیرالزام‌آور شامل بیانیه نهایی کنفرانس (یک مقدمه و ۲۷ اصل)، دستورکار ۲۱ (منشوری برای آینده)^۶ و اصول حفاظت از جنگل^۷ را به تصویب رساند. در این دوره تاریخی دولت‌ها ملزم

1. *United Nations Conference On the Man & Environment (Stockholm Declaration), 1972*
2. *United Nations Conference On Environment and Development Declaration, Rio, June 1992*
3. *World Charter for Nature, 1982*
4. *United Nations Environmental Programme (UNEP)*
5. *Global Environmental Law (GEF)*
6. *Agenda 21, Charter for Future, Rio, 1992*
7. *Principles on the Conservation of the Forests, Rio 1992*

گردیدند در توسعه اقتصادی، رشد صنعتی و جهانی شدن همواره دغدغه‌های حفاظت و حمایت از محیط‌زیست داشته باشند و «توسعه پایدار» را به‌عنوان یک رهیافت در برنامه‌های توسعه ملی مدنظر قرار دهند. همچنین دولت‌ها بایستی در تدوین قوانین برنامه‌ای و عادی و همچنین تدوین اسناد الزام‌آور دو یا چند جانبه، «اصل توسعه پایدار» را لحاظ نمایند.

صرف‌نظر از نزاع مفهومی در خصوص توسعه پایدار، امروزه توسعه پایدار یکی از مهم‌ترین و مقبول‌ترین رهیافت‌ها برای حفاظت محیط‌زیست است. این رهیافت در قلمرو داخلی و بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است و بسیاری از کشورها مکانیسم حفاظت محیط‌زیست را با رهیافت توسعه پایدار همگام نموده‌اند. توجه به اقتصاد سبز، به ویژه پس از تشکیل اجلاس ریو + ۲۰ یکی از گرایش‌های مهم در این زمینه به شمار می‌آید. با این همه فراگیر شدن رهیافت توسعه پایدار در بسیاری از کشورها با موانعی روبرو است. (Donald K. Anto, 2012, p 64-72) نهایتاً دولت‌ها بایستی نقش گروه‌های اجتماعی، مؤسسات، سازمان‌ها و ارگان‌های غیردولتی را در حفاظت محیط‌زیست ملی، منطقه‌ای و جهانی به‌رسمیت بشناسند. بنابراین دوره سوم فرایند توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را می‌توان دوره واقع‌نگری، جامع‌نگری و اصلاحات در حقوق محیط‌زیست دانست. (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲: ۳۳-۲۶)

با این همه، به موازات توسعه ماهوی و شکلی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، اختلافات، مناقشات و تهدیدات زیست محیطی گسترش یافته است. اختلاف کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه یکی از مهم‌ترین چالش‌های فراروی این رشته حقوقی است. در این دوره، علیرغم چالش‌ها و رقابت‌ها و مناقشات میان دولت‌ها، قواعد و مقررات زیست‌محیطی ملی و بین‌المللی در چارچوب مفهوم توسعه پایدار، تکامل یافته و در صورت لزوم در سطح ملی اصلاح گردیدند تا با واقعیات جهانی محیط‌زیستی هماهنگی لازم را داشته و در عمل اجرایی‌تر گردند و در مواردی نیز قواعد و مقررات جدیدی شکل گرفته و همچنان با روندی نسبتاً کند و آرامی در حال گسترش هستند. (Pallemarts, 1995, p 183)

۲- توسعه محتوایی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

یکی از ویژگی‌های مهم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در مقایسه با سایر رشته‌های حقوقی، توسعه محتوایی آن است. این توسعه نه تنها در اصول^۱ و مفاهیم^۲ ایجاد گردید، بلکه در اسناد الزام‌آور به خصوص معاهدات زیست‌محیطی بیشتر قابل مشاهده است. امروزه تقریباً تمام اسناد الزام‌آور و غیرالزام‌آور حاوی اصول و مفاهیم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست هستند و یا اینکه به آنها در این اسناد اشاره شده است و از این اصول و مفاهیم می‌توان به‌عنوان موتورهای در حال تحول حقوق محیط‌زیست نام برد. (کولاسوریا و رایبسون، ۱۳۹۰، صص ۹۶-۹۵) توسعه محتوایی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در طول سه

دهه گذشته منجر به ظهور شمار زیادی از معاهدات زیست‌محیطی، اصول و مفاهیم، قواعد و هنجارهای حقوقی شده است.

جایگاه حقوقی اصول و مفاهیم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست متفاوت است و ممکن است این موضوع، مورد اختلاف نظر میان دولت‌ها نیز باشد. اصول و مفاهیم، متون غیرالزام‌آور در محیط‌زیست و توسعه پایدار را در بر می‌گیرند و شکاف‌های موجود در مقررات را پر می‌کنند. (Sands, 2003)

الف. جایگاه حقوق نرم در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

«مفاهیم» حقوق بین‌الملل محیط زیست که با عنوان حقوق نرم شناخته شده‌اند، در واقع غیرالزام‌آور هستند و به‌طور مستقیم قابل استناد نیستند. گرچه حقوق نرم در زمره منابع غیرالزام‌آور هستند لیکن تاثیر بسیار مهمی در توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست داشته‌اند. این قواعد به‌طور کلی به مرور زمان از سوی دولت‌ها و جامعه بین‌المللی به‌عنوان هنجارهای قابل قبول مورد توجه و پذیرش قرار گرفته و بعضاً در یک فرآیند به قواعد قراردادی یا عرفی بین‌المللی تبدیل شده‌اند. به عبارت دیگر، گرچه حقوق نرم در واقع حقوق غیرالزام‌آور تلقی می‌شوند و تخطی از این حقوق، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را به همراه ندارد ولی دولت‌ها در تصویب این اسناد آزادی عمل بیشتری دارند و به تصویب این گونه اسناد تمایل بیشتری نشان می‌دهند. (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲، صص ۴۵-۴۴) به‌طور مثال مفهوم میراث مشترک بشریت^۱ و نگرانی‌های مشترک بشریت^۲ یکی از مهم‌ترین پیشرفت‌های بشری در زمینه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و از مهم‌ترین مفاهیم در دهه‌های اخیر است. مفهوم میراث مشترک بشریت در حقوق بین‌الملل مفهومی گسترده‌تر از معنی اموال مشترک دارد زیرا در ارتباط با عموم بشر است. (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲، صص ۱۵۱-۱۴۹) حفاظت و نگهداری محیط‌زیست طبیعی و به‌طور خاص مدیریت مناسب سیستم آب و هوایی، تنوع زیستی و فون و فلورهای زمین، به‌طور کلی به‌عنوان نگرانی مشترک بشریت شناخته شده‌اند. از این رو، میراث مشترک بشریت در ارتباط با عموم بشر هستند باید مورد حمایت نظام‌های حقوقی ویژه‌ای قرار بگیرد. از مصادیق این مفهوم می‌توان به نظام حقوقی اعماق بستر و زیر بستر دریاها، قطب جنوب، کره ماه، اجرام آسمانی، فضا، سفینه‌های فضایی و مناطق و بناهای تاریخی نیز به‌عنوان آثار باستانی در بخش امور فرهنگی به‌عنوان میراث مشترک بشریت اشاره کرد. (Kiss et Beurier, 2004, p 243) هرچند که مفهوم میراث مشترک بشریت جدید است اما آن را می‌توان برگرفته از اصل قدیمی "متعلق به همه"^۳ دانست، که به موجب آن سرزمین یا ناحیه مورد بحث در تملک و تعلق عمومی همه دولت‌ها قرار می‌گیرد و استفاده از آن برای همه دولت‌ها آزاد است. به کارگیری واژه میراث در مفهوم میراث مشترک بشریت به جنبه مادی حفاظت مشترک از مناطق و منابع

1. Common Heritage of Mankind
2. Common concern of mankind
3. res communis

غیرقابل تملک ملی دلالت دارد. (Shelton, 2009, p 38) علاوه بر آن مفهوم حقوق نسل‌های آینده^۱ نیز یکی از مفاهیم این رشته حقوقی است. این مفهوم که از کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲ وارد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست شد، در اصل اول اعلامیه استکهلم تصریح گردید: «انسان... مسئولیت خطیر حفظ و بهبود محیط‌زیست برای نسل حاضر و نسل‌های آینده را برعهده دارد». شناسایی مکرر حقوق نسل‌های آینده به‌عنوان یک گام مهم برای اصل توسعه و محیط‌زیست تلقی می‌شود. در واقع حقوق نسل‌های آینده حقی است که به موجب آن منافع یک نسل از لحاظ پیشرفت طبیعی میراث فرهنگی که از نسل قبلی به ارث رسیده است، به نسل آینده انتقال می‌یابد. (کیس و همکاران، ۱۳۷۹، صص ۱۰۴-۱۰۳) بنابراین، در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، حقوق نسل‌های آینده بشر برای برخورداری از شرایط مناسب زندگی بر روی کره زمین نیز مورد توجه قرار دارد. بر همین اساس تخریب محیط‌زیست با توجه به تبعات منفی آن تعدی از حقوق نسل‌های آینده به شمار می‌آید و باید از آن اجتناب گردد. (دبیری و همکاران، ۱۳۸۶، صص ۹) یکی دیگر از مفاهیم مهم «مفهوم توسعه پایدار»^۲ است. در واقع جامعه بین‌المللی، توسعه پایدار را به‌عنوان الگوی فراگیر برای بهبود کیفیت زندگی در سال ۱۹۹۲ در کنفرانس سازمان ملل درباره محیط‌زیست و توسعه به رسمیت شناخت. رایج‌ترین تعریفی که می‌شود از توسعه پایدار ارائه کرد و در کمیسیون براتلند^۳ در مورد محیط‌زیست و توسعه در گزارشی به نام «آینده مشترک ما»^۴ اظهار کرد آن است که توسعه پایدار «توسعه‌ای است که از برآوردن نیازهای نسل کنونی بدون در خطر انداختن قابلیت‌های نسل‌های آینده در مواجهه با نیازهای خود است و به گونه‌ای که نیازهای نسل کنونی نیز به مخاطره نیفتد.» (Freestone and Boyle, 1999) بیانیه‌های استکهلم و ریو دستیابی به توسعه پایدار را مستلزم حفاظت از محیط‌زیست عنوان کرده و دستورکاری برای توسعه نیز این دو مفهوم را از یکدیگر غیر قابل تفکیک دانسته است. (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲، ص ۱۶۳) همچنین مفهوم منافع عمومی بشر یکی دیگر از مفاهیمی است که با دو مفهوم دیگر میراث مشترک بشر و حقوق نسل‌های آینده ارتباط تنگاتنگی دارد به نحوی که حفظ حقوق نسل‌های آینده در گرو حفظ منافع آنهاست و این منافع میراثی است که از نسل حاضر به نسل آینده منتقل می‌گردد. از آنجا که محیط‌زیست مربوط به کل بشریت است، حفظ محیط‌زیست در سطح جهانی به‌عنوان یک منفعت مشترک برای بشر مطرح شده است. در کنار مفاهیم یاد شده، مفهوم مسئولیت مشترک اما متفاوت^۵ دولت‌ها جایگاه مهمی در هدایت حقوق بین‌الملل محیط‌زیست دارد. این مفهوم در مقابله با چالش‌های زیست‌محیطی بین‌المللی از اساسی‌ترین مفاهیم در عرصه همکاری‌های بین‌المللی زیست‌محیطی به‌شمار می‌آید. بیانیه ریو ۱۹۹۲ شامل برخی موارد مربوط به مفهوم مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها می‌باشد. به‌طور مثال در اصول

1. Future Generations
2. Sustainable Development
3. The Brundtland Commission, 1987
4. Our Common Future
5. Common but Differentiated Responsibilities

۶ و ۷ این بیانیه با بیان مفهوم کلی مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها، ارجحیتی را برای احتیاجات دولت‌های توسعه‌نیافته و دولت‌هایی که در معرض بیشترین آسیب‌های زیست‌محیطی هستند، تعیین نموده است. همچنین رعایت این اصل می‌تواند شکاف کشورهای صنعتی و غیرصنعتی را در حفاظت محیط‌زیست جهانی کاهش دهد. با این همه برای فراگیر شدن و اجرایی شدن این اصل نیاز به الزام‌آور بودن آن است. بنابراین الزامی ساختن این اصل در معاهدات بین‌المللی می‌تواند گام مهمی برای تحقق عدالت زیست محیطی در حوزه بین‌المللی به شمار آید. (Beyerlin Ulrich, 2006) با این همه، دولت‌های توسعه یافته تمایل زیادی برای قبول مسئولیت بیشتر برای حفاظت محیط‌زیست جهانی ندارند.

ب. جایگاه حقوق الزام‌آور در حقوق بین‌الملل محیط زیست

علاوه بر نقش حقوق نرم در توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، حقوق الزام‌آور تأثیرات مهمی در توسعه محتوایی این رشته حقوقی داشته است. با اینکه براساس سنت مندرج در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری منابع حقوق بین‌الملل، معاهدات، عرف بین‌الملل و اصول کلی حقوقی به‌عنوان منابع اصلی و آراء و رویه‌های قضایی و دکترین‌های حقوقی به‌عنوان منابع فرعی تلقی گردیده‌اند، با این همه، در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست منابع جدیدی نیز از قبیل قطعنامه‌های الزام‌آور سازمان‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است.

• گسترش معاهدات بین‌المللی زیست‌محیطی

نگرانی‌های گسترده ناشی از تخریب وسیع محیط‌زیست و گسترش آلودگی‌های زیست محیطی، دولت‌ها را به اقدام جهانی برای حفاظت از محیط‌زیست واداشته است. بنابراین توافقات دو جانبه و چندجانبه زیست‌محیطی^۱ حجم زیادی از محتوای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را به خود اختصاص داده است. مضافاً به اینکه یکی از ویژگی‌های معاهدات حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، گسترش معاهدات عام الشمول است. در واقع این گونه معاهدات به دنبال حفاظت از محیط‌زیست جهانی به‌عنوان میراث مشترک بشریت هستند و کمتر به دنبال حفظ و توسعه روابط متقابل میان دولت‌ها می‌باشند. منطق گسترش معاهدات زیست‌محیطی مبتنی بر معاهدات عام الشمول، بر این اصل مبتنی است که محیط‌زیست مرز ندارد و بر همین اساس همکاری بین‌المللی شرط تحقق آن است و حقوق بین‌الملل محیط‌زیست مبتنی بر همکاری بین‌المللی دولت‌ها می‌باشد. در واقع، دولت‌های عضو این معاهدات پیش از توجه به حفظ منافع داخلی خود، در صدد توسعه ساختاری و ماهوی تعهدات می‌باشند، بنابراین لزوم گسترش معاهدات زیست‌محیطی داشتن حس همکاری میان دولت‌ها است.

در واقع، معاهدات زیست‌محیطی در صدد، ایجاد مکانیسم حقوقی دائمی برای گسترش همکاری میان دولت‌های عضو معاهده می‌باشند، بدین معنا که کنوانسیون‌های بین‌المللی زیست‌محیطی با ایجاد ساختار و سازمان‌هایی تلاش می‌کنند تا همکاری میان دولت‌ها در حفاظت محیط‌زیست، یک همکاری دائمی و سازمانی باشد. بنابراین ملاحظه می‌شود که در بسیاری از معاهدات بین‌المللی زیست‌محیطی، ساختاری برای اجرای کنوانسیون در نظر گرفته شده است. (Lavieille, 1997) در این خصوص معاهدات زیست‌محیطی به دو صورت در راستای برخورداری از مکانیسم حقوقی دائمی برای همکاری بین‌المللی میان دولت‌ها گام برداشته‌اند: نوع اول؛ ارجاع معاهده زیست‌محیطی به یک سازمان بین‌المللی موجود می‌باشد که در این خصوص می‌توان به کنوانسیون بین‌المللی آمادگی، مقابله و همکاری در برابر آلودگی نفتی، لندن ۱۹۹۰^۱ اشاره کرد که سازمان بین‌المللی دریانوردی^۲ را به‌عنوان سازمان کنوانسیون معرفی کرده است. نوع دوم؛ معاهده زیست‌محیطی در متن خود یک سازمان بین‌المللی را به‌عنوان یک مکانیسم حقوقی دائمی ایجاد می‌کند. به‌طور نمونه می‌توان از کمیسیون بین‌المللی حفاظت از راین در برابر آلودگی‌ها نام برد که توسط متن کنوانسیون برن ۱۹۶۳ درباره حفاظت از رودخانه راین ایجاد گردید. (kiss et Beurier, 2004, p 58) علاوه بر آن، معاهدات بین‌المللی زیست‌محیطی دارای مکانیسم اجرایی هستند و برخلاف معاهدات حقوق بین‌الملل عمومی که اساساً خود اطراف معاهده به تنهایی نسبت به سایر اعضا، نظارت و کنترل را دارند، اما در معاهدات حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، یک دولت به تنهایی نمی‌تواند، کنترل‌کننده و ناظر بر اجرای معاهده باشد، بلکه بایستی دولت‌ها، برای اجرای معاهدات، مکانیسم خاصی پیش‌بینی نمایند. همچنین در معاهدات حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، پروسه اصلاح و بازنگری معاهده پررنگ‌تر است، از آنجا که مسائل مربوط به محیط‌زیست همواره در حال تغییر و تحول بوده و دانش و علم نتوانسته همه ابعاد محیط‌زیست را مورد اکتشاف قرار دهد، از این‌رو در معاهدات زیست‌محیطی مکانیسم اصلاح و بازنگری پیش‌بینی شده است. همچنین، وجود ابزارهای برنامه‌ای، مکانیسم‌های ارشادی در معاهدات زیست‌محیطی یکی دیگر از ویژگی‌های معاهدات زیست‌محیطی است. بدین معنا که در معاهدات زیست‌محیطی به اعضا و اطراف معاهده، توصیه می‌شود که متناسب با شرایط فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و غیره بین کشورهای خود قوانین ملی وضع کنند تا اهداف کنوانسیون در نظام داخلی به‌درستی پیاده شود.

سیستم کنوانسیون - چارچوب^۳ نیز یکی از ویژگی‌های منحصر به‌فرد معاهدات بین‌المللی زیست‌محیطی است. کنوانسیون - چارچوب معمولاً برای دولت‌هایی است که تمایل دارند کلیات، اصول و تعهدات کلی خود را در یک متن حقوقی، تحت‌عنوان کنوانسیون مورد پذیرش قرار دهند و متعاقباً اسناد یا متون

1. *International Preparedness, Response and Co-operation (Oil Pollution Preparedness)*, London, 1990.

2. *International Maritime Organization (IMO)*

3. *Convention Frame Work*

حقوقی دیگری را در راستای اصول و اهداف کنوانسیون در متونی بنام پروتکل^۱ را به تصویب برسانند. کنوانسیون - چارچوب تغییرات آب و هوایی ۱۹۹۲ در سطح جهانی و کنوانسیون - چارچوب حفاظت محیط‌زیست دریای خزر ۲۰۳۳ در وسعت منطقه ای مثال بارز این تکنیک حقوقی در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به‌شمار می‌آید.

به‌طور کلی تصویب پروتکل در حقوق محیط‌زیست بیش از حقوق بین‌الملل عمومی قابل مشاهده است و این واقعیت از آنجا ناشی می‌شود که دولت‌ها در بدو همکاری تمایل چندانی به قبول مسئولیت ندارند، لذا کلیاتی را تحت عنوان کنوانسیون - چارچوب توافق کلی می‌کنند. همچنین موضوعات محیط‌زیستی تابع زمان است و طی زمان، تغییراتی در آن حاصل می‌گردد. دولت‌ها نمی‌توانند در یک سند واحد همه ابعاد موضوع را مورد توافق قرار دهند، از این رو تلاش می‌کنند در سند اولیه تحت عنوان کنوانسیون - چارچوب به کلیات موضوع بپردازند و در اسناد آتی تحت‌عنوان پروتکل‌ها نسبت به جزئیات موضوع توافق نمایند. (Kiss, 1993, p 792-797) در حال حاضر علی‌رغم تدوین و تصویب بیش از ۱۰۰۰ معاهده دو یا چندجانبه در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، اجرای تعهدات زیست‌محیطی با مشکلات فنی و اجرایی روبرو است. در سال‌های اخیر در مقایسه با دوره دوم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، تمایل به تصویب اسناد الزام‌آور جدید با مشکلات سیاسی به‌وجود آمده میان دولت‌ها به خصوص دولت‌های توسعه یافته و در حال توسعه، کاهش یافته است. عدم تمایل دولت‌ها به‌قبول مسئولیت بیشتر در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست یکی از مشکلات جدی این رشته حقوقی است. ناکامی در تصویب اصلاحیه پروتکل کیوتو ۱۹۹۷ یکی از نمونه‌های مهم چالش حقوقی موجود است. (Poorhahsemi and others, 2012, p59) علاوه بر آن، تنوع و تکرر معاهدات بین‌المللی زیست محیطی موجب ایجاد تعهدات و مسئولیت‌های متضاد و متعارضی برای برخی دولت‌های عضو شده است. در واقع نظام هنجاری حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به‌عنوان یک نظام حقوقی منسجم به یک نظام ارزشی یا اخلاقی تقلیل پیدا کرده است و این مسئله حتی سبب بروز مشکل در تعریف دامنه و محدوده مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها شده است. از این رو، تنوع و تکرر منابع حقوقی گرچه می‌تواند به‌عنوان نقطه قوت این رشته حقوقی به‌شمار آید، ولی از آنجا که این نظام حقوقی فاقد مکانیسم تنقیح و تدوین مقررات بین‌المللی است، اثر بخشی خود را در بخش‌های زیادی از دست داده است.

• جایگاه عرف در توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

قاعده و قانون ناشی از حقوق عرفی، برای همه دولت‌ها الزام‌آور است. گرچه در ابتدا حقوق بین‌الملل عرفی در میان بسیاری از کشورهای اروپایی ظهور و توسعه پیدا کرد ولی رفته رفته این تعهدات به دیگر مناطق جهان تسری پیدا کرد. در واقع عرف حاکی از رفتار عمومی دولت در روابط بین‌المللی محسوب

شده و مسلماً این رفتار همچنان تداوم خواهد داشت و تا زمانی که قواعد عرفی تبدیل به قواعد معاهده‌ای نشوند و مدون نگردند از استقلال کامل برخوردار هستند. (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲، ص ۵۲) عرف بین‌المللی دارای دو عنصر مادی و معنوی است که منظور از عنصر مادی آن رفتار اعم از فعل یا ترک فعل موافق دول به طور ثابت و مستمر در مدت زمان معین تکرار می‌شود که حاصل این اقدام ظهور این گونه قواعد حقوقی است و قبول دولتها به اجرای آن الزام به‌عنوان عنصر معنوی عرف تلقی می‌شود. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۷) در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست با وجود حجم زیاد اسناد الزام‌آور و غیرالزام‌آور، تمسک به عرف بین‌الملل برای تحقق مسئولیت بین‌المللی دولتها خالی از دشواری نیست و همان‌گونه که بسیاری از آراء و رویه‌های حقوقی نشان داده است، تمسک به عرف جزء در موارد محدود، صورت نمی‌گیرد. از این رو به‌نظر می‌رسد، عرف کارایی سنتی خود را در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست از دست داده است و برای کارآمد سازی عرف در حقوق بین‌الملل نیاز به ملاحظه رفتارها و پراتیک دولتها در زمینه حفاظت محیط‌زیست است.

• جایگاه آراء و رویه‌های قضایی بین‌المللی

تصمیمات قضایی به‌عنوان یک منبع فرعی در اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به رسمیت شناخته شده است و این در حالی است که آراء و رویه‌های قضایی بین‌المللی کمتر جنبه وضع حقوق ندارند و بیشتر نقش کاشفیت و اعلامی در حقوق را ایفاء می‌نمایند. رویه قضایی، مجموع آراء قضایی است که محاکم یا دسته‌ای از آنها در باب یکی از مسائل حقوقی روش یکسانی در پیش گیرند و آرای راجع به آن مسئله چندان تکرار شود که بتوان گفت هرگاه آن محاکم با دعوی روبرو شوند، همان تصمیم را خواهند گرفت و به‌عبارتی شکل کلی تصمیم مکرر قضایی که در موارد مشابه به لحاظ الزام قانونی مبنای حکم مرجع قضایی قرار گیرند، رویه قضایی گفته می‌شود. در موضوع محیط‌زیست، دیوان بین‌المللی دادگستری و سایر مراجع قضایی و داوری بین‌المللی از طریق صدور آراء و رویه‌های قضایی بین‌المللی، نقش مهمی در توسعه شکلی و ماهوی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست داشته‌اند. آراء و رویه‌های محاکم بین‌المللی دربردارنده اصول و قواعد حقوقی جدیدی هستند که می‌تواند به توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، کمک شایانی نمایند. موضوع محیط‌زیست در آراء مختلفی از داوری و قضایای بین‌المللی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم مطرح شده است. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایایی چون گابسیکوو ناگیماروس ۱۹۹۷^۱، قضیه تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای ۱۹۹۶^۲، زمین‌های فسفات در نائورو^۳ و دعاوی اخیر آرژانتین و اروگوئه و قضیه علف کش های هوایی^۴ و ... ، آرای صادر نموده است. در

1. *Gabcicovo- Nagymoros, 1997*

2. *Legality of the Use by a State of Nuclear Weapons in Armed Conflict, 1996*

3. *Certain phosphate lands in Nauru, 1993*

4. *Aerial Herbicide Spraying , 2008*

نظریه مستقل قاضی ویرامانتری^۱ در قضیه آزمایش هسته‌ای (نیوزلند علیه فرانسه) تصریح شده است که دیوان در رأس محاکم بین‌المللی است و لذا در خصوص اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست خصوصاً مواردی که به‌عنوان میراث مشترک جهانی قلمداد می‌شوند، مسئولیت دارد. یکی از مهم‌ترین چالش‌های فراروی آراء و رویه‌های قضایی برای توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست، اتخاذ رهیافت سنتی توسط دیوان بین‌المللی دادگستری مبنی بر ترجیح حاکمیت ملی دولت‌ها بر منافع مشترک بشریت و میراث مشترک بشریت است. دیوان در بسیاری از آراء صادره با اتخاذ روش محافظه‌کارانه، از فرصت‌های به‌وجود آمده در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست برای توسعه این رشته حقوقی به‌درستی استفاده ننموده است. به‌طور نمونه در قضیه مشورتی ۱۹۹۶ (تهدید و بکارگیری سلاح هسته‌ای) دیوان نتوانست از این فرصت بهره‌گیرد و همچنین در پرونده شکایت استرالیا و نیوزلند علیه فرانسه به جای تأکید و تکیه به اشکالات شکلی اگر دیوان به ماهیت پرونده توجه می‌نمود، بیش از پیش قادر به توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست بود. در پرونده ۱۹۹۷ گابسیکو و ناگیماروس نیز دیوان در خصوص این‌که آیا تخریب محیط‌زیست امروزه به‌عنوان نقض قواعد آمره بین‌المللی مدنظر می‌باشد یا خیر به دیده تردید نگاه کرده است.

ج. ظهور و گسترش اصول پایه‌ای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

اصول پایه‌ای حقوق بین‌الملل محیط زیست از قبیل اصل احتیاطی^۲، اصل جلوگیری^۳، اصل پرداخت توسط آلوده‌ساز^۴ و ... از بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ تا بیانیه ریو ۱۹۹۲ و پس از آن ادامه داشته و در متون بسیاری از معاهدات زیست‌محیطی مندرج گردیده و از این جهت برخی از آن جنبه الزام‌آور یافته است و توانسته به تولد مقررات و قوانین حقوقی جدید اعم از قراردادی و عرفی کمک شایانی نماید. (Sheridan and Lavrysen, 2002) این اصول نه تنها در روند ایجاد قواعد بین‌المللی زیست‌محیطی نقش بسزایی دارند، بلکه در روند اجرا و تفسیر معاهدات زیست‌محیطی و حل اختلافات دولت‌ها در زمینه مسائل محیط‌زیست نیز مؤثر بوده‌اند. اصول کلی حقوقی در روند تحولات حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در آینده از اهمیت بالایی برخوردار خواهند بود. حق حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی خویش و آزادی بهره‌برداری از آنها، مسئولیت دولت‌ها به جهت حفاظت از محیط‌زیست خود، مسئولیت پرداخت غرامت توسط آلوده‌ساز، اتخاذ تدابیر احتیاطی و پیشگیرانه و ... تعدادی از این اصول هستند که می‌توانند در آینده حقوق بین‌الملل مهم باشند. با این همه، برداشت یکسانی از این اصول در

1. Weeramantry
2. Precautionary principle
3. Prevention principle
4. Polluter – pays principle

میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی وجود ندارد و بایستی برای گسترش مفهومی و اجرایی این اصول تدابیر خاصی اندیشید.

۳. حاکمیت جهانی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

یکی از جنبه‌های مهم توسعه آتی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، مدیریت جهانی حفاظت محیط‌زیست است. نتیجه ساختاری و شکلی بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ تشکیل سازمان برنامه محیط‌زیست ملل متحد (یونپ) بود. همچنین در دهه ۱۹۷۰ به بعد علاوه بر تأسیس یونپ، سازمان‌های بین‌المللی دیگر، حفاظت محیط‌زیست را در اهداف و برنامه‌های خود قرار دادند که در این راستا می‌توان به سازمان بین‌المللی کار^۱، سازمان خواروبار و کشاورزی^۲، سازمان بهداشت جهانی^۳ و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^۴ اشاره کرد. علاوه بر آن، بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی در این دوره شکل گرفتند که می‌توانیم به کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های جانوران و گیاهان وحشی در معرض خطر انقراض، واشنگتن ۱۹۷۳^۵ و کنوانسیون حقوق دریاها، مونته‌گوبی ۱۹۸۲^۶ و بسیاری از کنوانسیون‌های دیگر که این کنوانسیون‌ها معمولاً دارای یک سازمان و ساختار برای اجرای اهداف آن کنوانسیون بودند. (Dupuy, 1997) با این همه، توسعه ساختاری حقوق بین‌الملل محیط‌زیست با چالش رقابت و مناقشات بین‌المللی میان دولت‌ها به خصوص دولت‌های توسعه یافته و در حال توسعه مواجه گردیده است. برنامه محیط‌زیست سازمان ملل گرچه نهادی وابسته به سازمان ملل متحد است که فعالیت‌های زیست‌محیطی اعضای خود را کنترل و هدایت می‌کند، ولی همچنان به‌عنوان یک برنامه فعالیت دارد و برای تبدیل شدن آن به «سازمان جهانی محیط‌زیست» که دارای اختیارات جهانی و کاملتری باشد با محدودیت‌هایی روبرو است.

۴. اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها

علاوه بر فرصت‌ها و چالش‌های محتوایی و ساختاری فراروی توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، در بخش اجرایی نیز این رشته حقوقی دارای محدودیت‌هایی در حوزه داخلی و بین‌المللی است.

1. International Labour Organization (ILO)
2. Food and Agriculture Organization (FAO)
3. World Health Organization (WHO)
4. International Atomic Energy Agency (IAEA)
5. Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Fauna and Flora, Washington, 1973, (CITES)
6. United Nations Convention on the Law of the Sea, UNCLOS, 1982

الف. اجرای حقوق محیط‌زیست در حقوق داخلی کشورها

حقوق داخلی محیط‌زیست توسط نظام حقوقی ملی کشورها تنظیم، تصویب و اجرا می‌شود. علاوه بر آن دولت‌ها متعهد به اجرای تعهدات بین‌المللی از طریق تصویب و اجرای قوانین ملی می‌باشند. از این رو حقوق داخلی محیط‌زیست علاوه بر قوانین داخلی شامل استانداردها، مقررات نهادها و سازمان‌هایی است که به کنترل فعالیت‌های مخرب محیط‌زیستی می‌پردازند، متعهد به فراهم نمودن مکانیسم اجرایی نیز برای تعهدات بین‌المللی است. بنابراین بسیاری از قوانین داخلی می‌تواند بازتابی از هنجارها و تعهدات بین‌المللی باشد که با هدف اجرای تعهدات مندرج در معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی زیست‌محیطی تصویب شده‌اند. با اینکه حفاظت محیط‌زیست در ایران همانند وضعیت و پیشینه آن در جهان از قدمت چندانی برخوردار نیست، ولی از لحاظ رویکرد به مسائل محیط‌زیستی و تدوین قوانین و مقررات زیست‌محیطی در مقایسه با بسیاری از کشورهای در حال توسعه به خصوص کشورهای حوزه غرب آسیا پیش‌تاز بوده است. اولین مقررات حفاظت از محیط‌زیست در ایران در اوایل دهه ۵۰ و هم زمان با کنفرانس جهانی استکهلم ۱۹۷۲ تدوین و تصویب شد و از آن تاریخ تاکنون تحولات نسبتاً چشمگیری در زمینه محیط‌زیست در کشور صورت گرفته است. اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از مترقی‌ترین اصول قانون اساسی نه تنها میان اصول دیگر بلکه در مقایسه با قوانین اساسی سایر کشورهای جهان در زمینه حفاظت محیط‌زیست می‌باشد. علاوه بر قوانین برنامه‌ای و سیاست‌های توسعه، بسیاری از قوانین داخلی از قبیل قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب در سال ۱۳۵۳، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴، آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی آب مصوب ۱۳۷۳، قانون مدیریت پسماندها مصوب سال ۱۳۸۳ و... در صدد حفاظت حقوقی از محیط‌زیست است. با این همه، عدم هماهنگی در مدیریت، نظارت و پایش زیست‌محیطی در حوزه داخلی و عدم به کارگیری فن‌آوری‌های جدید برای حفاظت محیط زیست از چالش‌های جدی اجرای حقوق محیط‌زیست در ایران به شمار می‌آید.

ب. اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

با وجود توسعه محتوایی و ساختاری حقوق بین‌الملل محیط زیست، موانع و محدودیت‌هایی برای توسعه این رشته حقوقی ایجاد شده است. یکی از مهم‌ترین موانع، عدم تمایل دولت‌ها به تفویض حاکمیت است. ساختار سیاسی حاکمیت همواره میل به تمرکز دارد و به تفویض آن به دیگر مراکز قدرت یا سازمان منطقه‌ای و جهانی علاقه چندانی ندارد. گرچه یکی از اصول مهمی که در بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ مطرح گردید، اصل حاکمیت بود که تعریف جدیدی از مفهوم حاکمیت در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست متکی بر مفهوم «استفاده معقولانه و منطقی» از سرزمین ارائه می‌کرد ولی همچنان سایه حاکمیت مطلقه در حقوق بین‌الملل محیط زیست سنگینی می‌کند. (Nouzha, 2000, p. 391-420)

دومین مشکل در اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست گستردگی ابعاد موضوعات زیست‌محیطی است. در واقع محیط‌زیست شامل همه ابعاد زندگی بشر از جمله: آب، هوا، خاک و ماورای جو می‌شود و با وجود این گستردگی، تدوین قوانین و مقررات برای هر یک از بخش‌های زیست‌محیطی زمان بر است. در واقع دانش و علم بشری هنوز نتوانسته همه ابعاد محیط‌زیست را در بر بگیرد. (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲، صص ۲۵۶-۲۵۵) این گستردگی ابعاد موضوعات زیست‌محیطی و کمبود قوانین و مقررات و دانش و علم بشری بر عدم اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست صحنه می‌گذارد. در آخر پرهزینه بودن حفاظت محیط‌زیست و کمبود منابع مالی خصوصاً برای کشورهای در حال توسعه که از نظر تعداد بیشترین کشورها هستند و منابع مالی کافی برای حفاظت محیط‌زیست را ندارند، اجرای بسیاری از قواعد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را که نیاز به منابع مالی فراوان دارد را با مشکلات جدی روبرو کرده است. علاوه بر اجراء، در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها نیز محدودیت‌هایی وجود دارد. «مسئولیت»^۱ در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست بر اساس «مسئولیت نرم»^۲ شکل گرفته است. گرچه به‌طور سنتی می‌توان متون حقوقی متعددی درباره «مسئولیت سخت»^۳ در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست مشاهده کرد، که از آن جمله می‌توان به «مسئولیت بین‌المللی آلودگی فرامرزی» اشاره کرد، ولی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در تلاش است تا یک نوع مسئولیت مدنی که مبتنی بر «جبران خسارت» می‌باشد را به رسمیت بشناسد. این نوع مسئولیت به‌عنوان یک مسئولیت ناشی از «خطا» شناخته می‌شود نه مسئولیت ناشی از «فعل یا ترک فعل» که عنصر «جرم» معرف آن است. (زارع و پورهاشمی، ۱۳۸۶)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با وجود تلاش‌های بین‌المللی برای تصویب اسناد حقوقی الزام‌آور و غیرالزام‌آور برای حفاظت جهانی از محیط‌زیست، تاکنون این تلاش‌ها نتوانسته است تخریب وسیع محیط‌زیست را در جهان متوقف نماید. در بعد محتوایی حقوق، ایجاد یک نظام جامع حقوق بین‌الملل محیط‌زیست می‌تواند خلأهای حقوقی به وجود آمده ناشی از تکرر اسناد حقوقی محیط‌زیستی را کاهش دهد. علاوه بر آن یکی از راهکارهای کاهش چالش‌های موجود، اتخاذ رویافت «بین‌المللی کردن» حفاظت محیط‌زیست است که بر دو پایه حقوقی استوار می‌باشد. از یک طرف بر قواعد و مقررات اساسی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست که تبعیت از آن برای اعضای جامعه جهانی الزامی است. مبنای حقوقی این قواعد و مقررات عمدتاً «عرفی» است و مبتنی بر حقوق عرفی است که امروزه برخی از آن به‌عنوان «قواعد آمره بین‌المللی»^۴ در آمده است.

1. Responsabilité
2. Soft Responsibility
3. Hard Responsibility
4. Juscogens

برخی از اصول پایه‌ای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست از قبیل اصل «ممنوع بودن صدمه به دیگر سرزمین‌ها»، اصل «استفاده عادلانه و منطقی از سرزمین»، اصل «همکاری متقابل» و اصل «پیشگیری» باید در حفاظت محیط‌زیست جهانی مدنظر قرار گیرد. بنابراین توسعه مفهومی و ماهوی حقوق بین‌الملل می‌تواند یکی از راهکارهای مؤثر برای حل محدودیت‌ها و موانع فراروی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست تلقی گردد و از طرف دیگر، «بین‌المللی کردن» حفاظت محیط‌زیست بر اصل «نهاد سازی»^۱ حقوق بین‌الملل محیط‌زیست معاصر مبتنی شده است. نهاد سازی حقوق بین‌الملل به معنای ایجاد و گسترش سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی برای حفاظت مؤثر و کارآمد محیط‌زیست می‌باشد.

همچنین مشارکت در بعد داخلی شامل مشارکت عمومی در تصمیم‌سازی زیست‌محیطی و اجرای تصمیمات محیط‌زیستی و مشارکت در بعد بین‌المللی ناظر به مشارکت همه دولت‌ها اعم از فقر و غنی، توسعه یافته و در حال توسعه، صنعتی و غیر صنعتی در امر تصمیم‌سازی بین‌المللی، می‌تواند یکی از راهکارهای مهم برای توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به شمار آید. همچنین جرم انگاری تخریب محیط‌زیست در وسعت وسیع و عبور از «جنایت علیه بشریت» از گذر به رسمیت شناختن «جنایت علیه نسل‌های آینده» می‌تواند علامت پیشرفتی از احساس مسئولیت مضاعفی نسبت به آینده، شرایط آینده بشرو حفاظت دیگر گونه‌های زنده و محیط‌زیست محسوب گردد. (Emilie Gaillard, 2011, p183)

بدیهی است حقوق کیفری بین‌المللی هنوز راه‌کارهایی حقوقی مشخصی برای جرم انگاری تخریب محیط‌زیست به عنوان جرائم بین‌المللی ندارد، با این حال، به رسمیت شناختن «جنایت علیه نسل‌های آینده» به عنوان جرم بین‌المللی می‌تواند به توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست کمک شایانی نماید. در بعد ساختاری نیز، تبدیل «برنامه سازمان ملل متحد برای محیط‌زیست» که در حال حاضر ظرفیت محدودی در حد برنامه دارد، به «سازمانی جهانی برای حفاظت محیط‌زیست» با اختیارات و قدرت لازم می‌تواند گام مهمی برای توسعه ساختاری حقوق بین‌الملل محیط‌زیست تلقی گردد. بدیهی است مباحث مربوط به تأسیس این سازمان جهانی نیز خارج از کشمکش کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته نخواهد بود.

فهرست منابع

الف- منابع فارسی

- ۱- پورهاشمی، سید عباس؛ ارغند، بهاره، حقوق بین‌الملل محیط زیست، تهران، انتشارات داگستر، ۱۳۹۲
- ۲- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۷
- ۳- کورو کولاسوریا، لال؛ رایینسون، نیکلاس، مبانی حقوق بین‌الملل محیط زیست، ترجمه سید محمد مهدی حسینی، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۰
- ۴- کیس، الکساندر و دیگران، حقوق محیط‌زیست، ترجمه محمدحسن حبیبی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹
- ۵- دبیری، فرهاد؛ پورهاشمی، سیدعباس و روستا، فخرالضحی، «بررسی اصول و مفاهیم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست با نگاهی به توسعه پایدار»، تهران، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، شماره ۳، دوره یازدهم، پائیز، ۱۳۸۸
- ۶- زارع، علی؛ سیدعباس پورهاشمی، «توسعه نوین در حقوق بین‌الملل محیط زیست با تأکید بر کنوانسیون حقوق بهره‌برداری از آبراه‌های بین‌المللی برای مقاصد غیرکشتریانی ۱۹۹۷»، تهران، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۵، ۱۳۸۶

ب- منابع لاتین

- 1- *Anto Donald K., (2012), "The 2012 United Nations Conference on Sustainable Development and the Future of International Environmental Protection", Consilience: The Journal of Sustainable Development, Vol. 7, Iss.1*
- 2- *Beyerlin Ulrich, (2006), "Bridging the North-South Divide in International Environmental Law", Max-Planck-Institut für ausländisches öffentliches Recht und Völkerrecht, <http://www.zaoerv.de>*
- 3- *Boyle, Alan and David Freestone (Eds.), (1999), International Law and Sustainable Development, Oxford; New York: Oxford University Press*
- 4- *Dupuy. P.M., (1997), « OÙ en est le droit international de l'environnement à la fin du siècle? », RGDIP, N 4*
- 5- *Gaillard Emilie, (2011), "Des crimes contre l'humanité aux crimes contre les générations futures: vers une transposition du concept éthique de responsabilité trans-générationnelle en droit pénal international?", The McGill International Journal of Sustainable Development Law and Policy (JSDLP), Volume 7: Issue 2*
- 6- *Kiss.A et Beurrier. J.P, (2004), Droit international de l'environnement, Paris, Pedone*

- 7- Kiss.A. (1993), « *Les traités-cadres : une technique juridique caractéristique du droit international de l'environnement* », *AFDI*, vol. XXXIX
- 8- Lavieille J.-M., (1997) (éd), *Les institutions créées par des Conventions internationales relatives à la protection de l'environnement*, Université de Limoges, Crideau-Cnrs
- 9- McCaffrey, Stephen C, (1993), “*The Evolution of the Law of International Watercourses*”, *Austrian Journal of Public and International Law*, Springer-Verlag, N 45
- 10- Nouzha.C, (2000), « *Réflexion sur la contribution de la Cour internationale de justice à la protection des ressources naturelles* », *RJE*, vol. 3, p. 391-420
- 11- Pallemarts.M, (1995), « *La Conférence de Rio: grandeur ou décadence du droit international de l'environnement?* », *Revue belge de droit international*, Bruxelles, Bruylant
- 12- Perrin de Brichambaut(1996), M. « *Les avis consultatifs de la CIJ sur la licéité des armes nucléaires* », *AFDI*
- 13- Poorhashemi S. A., B. Khoshmaneshzadeh, M. Soltanieh & D. Hermidasbavand, (2012), “*Analyzing the Individual and Social Rights Condition of Climate Refugees from the International Environmental Law Perspective*”, *International Journal of Environmental Science and Technology*, Volume 9, Issue 1
- 14- Sands, Philippe, (2003), *Principles of International Environmental Law*, second edition, Cambridge University Press
- 15- Shelton Dinah, (2009), “*Common Concern of Humanity*”, *IustumAequumSalutare*, vol.1
- 16- Sheridan, Maurice and Lavrysen.L, (2002), *Environmental Law Principles in Practice*, Bruxelles: Bruylant

